باغ ایرانی از منظر پوپ

شرح و تحلیلی بر مقالهٔ «باغ‌ها» در مجموعهٔ «سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)[1]»

علی علائی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳
تـاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱/۲۷

چکیده

«آرتر آپم پوپ»[2] و همسرش «فیلیس آکرمن»[3] از محققان و هنرشناسان نامی معاصر بوده که در خصوص هنر ایران آثار متعددی تألیف و منتشر کرده‌اند. معروف‌ترین و مهم‌ترین این آثار مجموعهٔ دانشنامهٔ ۱۶ جلدی با عنوان «سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)» است که در سال ۱۹۷۷ م. به زبان انگلیسی منتشر شد. از آن زمان به عنوان یکی از منابع پایه در مطالعات تاریخ معماری ایران مورد استفادهٔ محققین قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از مجموعهٔ فوق در ۱۳۸۷ش. توسط گروهی از مترجمان به سرپرستی نجف دریابندری ترجمه و توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است.

در آخرین بخش جلد سوم از مجموعهٔ فوق، مقاله‌ای تحت عنوان «باغ‌ها» تألیف گردیده که مؤلفان در آن به وجوه مختلف موضوع باغ در ایران پرداخته‌اند. با توجه به سابقهٔ محققین و ارزش کتاب تألیفی اطلاع از کم و کیف محتوای این مقاله و نکات مورد توجه در آن برای علاقمندان به موضوع باغ ایرانی به‌ویژه دانشجویان ارزشمند است. از آنجا که ممکن است مقالهٔ فوق در دسترس همگان قرار نداشته باشد و با توجه به اینکه متن تألیف و ترجمه شده جدای از تصاویر و فاقد عنوان‌های فرعی است، ممکن است مطالعه و درک محتوای آن توسط خوانندگان دشوار باشد؛ از این‌رو مقالهٔ پیش رو جهت جلب توجه مجدد به محتوای مقالهٔ «باغ‌ها» و نیز طبقه‌بندی مطالب مندرج در آن تهیه گردید.

در مقالهٔ «باغ‌ها» نویسندگان به موضوعاتی چون تاریخچهٔ باغ ایرانی، اهمیت، منظور و هدف از ساخت باغ در ایران و نقش آن در زندگی ایرانیان، طرح و مشخصات باغ‌های ایرانی، معرفی منابع مختلف جهت شناخت باغ ایرانی، عناصر و اجزاء باغ ایرانی و مشخصات آنها از جمله: آب‌نماها، درختان، بوته‌ها و گل‌ها، تزیینات، حیوانات و ... پرداخته‌اند.

کلید واژه‌ها: باغ، باغ ایرانی، پوپ، هنر ایران، معماری

* عضو هیأت علمی دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی alai.arch@gmail.com

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

مقدمه[۴]

«آرتور آپم پوپ» ایران‌شناس و کارشناس صنایع قدیم و باستان‌شناسی ایران بود که در ۱۸۸۱م. در فونیکس آمریکا به دنیا آمد و در ۱۹۶۹م. در شیراز بدرود حیات گفت. وی بر حسب وصیتش، در اصفهان نزدیک پل خواجو به خاک سپرده شد. پوپ پس از اتمام تحصیلات خود در دانشگاه هاروارد در رشته‌های باستان‌شناسی و معماری از ۱۹۱۱ الی ۱۹۱۷م. به عنوان دانشیار در دانشگاه کالیفرنیا به تدریس اشتغال یافت و از این هنگام به مطالعه و نیز نشر ۲۰ مقالهٔ علمی دربارهٔ هنر و باستان‌شناسی ایران همت گماشت. وی از ۱۹۲۵م. سرپرستی هیئت‌های علمی اعزامی به ایران را به عهده داشته، و در زمینه‌های مختلف هنر ایرانی تحقیقات فراوانی کرده است. او علاقهٔ خود به صنایع و هنرهای ایرانی را تنها به مطالعهٔ کتب و کاوش در موزه‌ها محدود نکرد، بلکه ترجیح داد که از راه مشاهدهٔ مستقیم آثار در سرزمین ایران اطلاعات خود را عمیق‌تر و وسیع‌تر گرداند. بدین‌منظور مسافرت‌های متعددی به ایران و نیز ممالکی که آثار قدیم ایران در آنها باقی مانده، انجام داده است.

از تمامی خدمات پوپ، پرارزش‌تر از همهٔ آنها تألیف کتاب مشهور «سیری در هنر ایران[۵]» در ۶ جلد بزرگ با یک فهرست عمومی است. در تألیف این کتاب چند تن از دانشمندان درجهٔ اول کشورهای دنیا که در هنر ایرانی صاحب اطلاعات وسیع هستند، شرکت کرده‌اند[۶]. در این کتاب راجع به صنایع و هنرهای دورهٔ ماقبل تاریخ ایران و دوره‌های تاریخی در عهد هخامنشی تا ساسانی مطالعات بسیار دقیق انجام گرفته، و سپس تمام رشته‌های هنر ایرانی در دورهٔ اسلامی از قبیل نقاشی، سفال‌سازی، کاشی‌سازی، پارچه‌بافی، قالی‌بافی، جواهرسازی، فلزکاری، خاتم‌سازی، منبت‌کاری و رشته‌هایی مانند شیشه‌گری و اسطرلاب و امثال آنها مورد توجه و بررسی عالمانه گرفته است. همچنین در این کتاب معماری ایران اعم از ساختمان‌های مذهبی و غیرمذهبی و محوطه‌سازی‌ها خواه در حدود ایران امروزی و خواه در تمام قلمرو هنر و صنایع ایران قدیم، پابرجا یا از بین‌رفته از خرد و کلان مورد دقت و مطالعه قرار گرفته است. نکتهٔ مهمی که باید در مورد این کتاب گفت نقل تصاویر ابنیه و آثار ایران است که در موزه‌های گوناگون جهان یا حتی نزد برخی مجموعه‌داران خصوصی هنری وجود دارد و بعضاً در دسترس ما نیست. کتاب مزبور دارای ۲۰۰ کلیشه و ۱۵۰۰ عکس سیاه و سفید و ۴۵ نقشه مشتمل بر ۵۰ فصل است که با همکاری ۷۱ نفر از کارشناسان زبردست کشورهای جهان فراهم شده، و هم‌اکنون در تمام دنیا به عنوان یک اثر کلاسیک شناخته شده است. اهمیت و اعتبار این کتاب موجب چاپ‌های متعدد آن شده[۷] و در دهه‌های اخیر نیز مجموعهٔ فوق به صورت مرغوب‌تر در ۱۵ جلد در کشور ژاپن به طبع رسیده است. بخش عمده‌ای (۱۳مجلد) از این مجموعه در ۱۳۸۷ش. توسط گروهی از مترجمان به سرپرستی «نجف دریابندری» ترجمه و توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد.

نگارنده در شرح و تفسیر خود در این نوشتار از نسخهٔ اشاره شده در بالا (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷) و مجموعهٔ شانزده جلدی چاپ سوم (Pope & Ackerman, 1977)، به زبان اصلی، بهره جسته است[۸]. در توضیح مطالب نیز ابتدا موضوعات مطرح در مقاله طبقه‌بندی شده و نکات مهم مربوط به هر موضوع توضیح داده خواهد شد. سپس در انتهای هر بخش نیز نقد و تحلیل نگارنده از مطالبِ توضیح داده‌شده، ارائه خواهد شد. در انتهای نوشتار نیز جمع‌بندی و نقطه‌نظرات نگارنده ارائه خواهد شد. جهت جلوگیری از ابهام، کلمات «مقاله» و «نویسنده» یا «نویسندگان» در اشاره به مقالهٔ اصلی و کلمات «نوشتار» و «نگارنده» در اشاره به مقالهٔ پیش‌رو به‌کارگرفته شده‌اند.

محتوای مقالهٔ «باغ‌ها»[۹]

مقاله فاقد هرگونه عنوان فرعی است و تنها پس از مطالعهٔ کامل می‌توان شناختی از ساختار آن به‌دست

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

آورد. تصاویر مقاله نیز که شامل بیش از ۱۰ کروکی و ۷۰ عکس از بناها، نقاشی‌ها، آثار هنری، مسکوکات و ... می‌باشد، در متن اصلی قابل‌رؤیت نبوده، و جهت ملاحظهٔ آنها لازم است که (با توجه به ارجاعات داده شده در متن) به مجلدات دیگر مراجعه گردد. تنها تصویر موجود در مقاله، نقشهٔ مربوط به باغ فرح آباد اصفهان است (تصویر ۱۳).

محتوای مقاله از یک‌سو سیر تاریخی باغ ایرانی از گذشتهٔ دور تا حدود دوران قاجار را به تصویرکشیده، و از سوی دیگر از مطالب کلی (باورها و اعتقادات و ...) تا جزئیات باغ‌ها همچون انواع درختان و تزیینات را شامل می‌شود. مقاله در بخش‌های مختلف به موضوعاتی چون تاریخچهٔ باغ ایرانی، اهمیت، منظور و هدف از ساخت باغ در ایران و نقش آن در زندگی ایرانیان، طرح و مشخصات باغ‌های ایرانی (با ذکر خلاصه یا مفصل برخی مصادیق در داخل و خارج از ایران)، معرفی منابع مختلف جهت شناخت باغ ایرانی، عناصر و اجزاء باغ ایرانی و مشخصات آنها از جمله: آب نماها، درختان، بوته‌ها و گل‌ها، تزیینات، حیوانات و ... پرداخته است که در ادامهٔ این نوشتار سعی خواهد شد در هر مورد شرح و تفسیر لازم ارائه شود.

۱. تاریخچهٔ باغ ایرانی

نویسندگان مقاله آغاز باغسازی ایرانی را به استناد نقش‌مایه‌های رایج سفالینه‌هایی که در شوش یافت شده است، به دوران هزارهٔ چهارم پیش از میلاد نسبت می‌دهند (تصویر ۱). در ادامه، تداوم باغسازی ایرانی را در سفالینه‌ها (تصویر ۲)[۱۰] و تراشکاری‌های تخت‌جمشید (تصویر ۳)، مفرغ‌کاری‌های لرستان(تصویر ۴)[۱۱]، آثار هنری دوران ساسانی، اشعار[۱۲] و مضمون‌های موسیقی پیش از اسلام و سپس فرش‌ها (تصویر ۵)، بافته‌های ابریشمی، نگارگری‌های دوران اسلامی(تصاویر ۶ و ۷)، تا مصادیق باغ‌های شناخته شده یا پابرجای موجود همچون «فرح آباد» اصفهان و «اشرف» بهشهر و باغ فتحعلی‌شاه[۱۳] دنبال می‌نمایند. بدین‌ترتیب نویسندگان به نوعی معتقد به تداوم سبک باغسازی ایرانی از حدود هزارهٔ چهارم پیش از میلاد تا دوران قاجار هستند.

توجه به نوع نگاه نویسندگان به تاریخچهٔ باغ ایرانی در این مقاله، از جهاتی بسیار حائز اهمیّت است. با دقت در این موضوع به وضوح می‌توان دیدگاه بنیادین نویسندگان راجع به معماری ایران را دریافت. ویژگی که البته با دقت در عنوان کتاب و فهرست کلی مطالب آن می‌توان مشاهده نمود. نویسندگان با استفادهٔ مستمر از عبارت «باغ‌ایرانی» در مقاله و ذکر قدمت تاریخی ۵ الی ۶ هزار ساله برای آن درصدد معرفی معماری ایرانی به‌عنوان یک سبک معماری ریشه‌ای و بومی در این سرزمین که واجد تداوم تاریخی مستمر از گذشتهٔ دور تا دوران معاصر است بوده، و بر این باور هستند که تفکر باغسازی ایرانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های معماری ایرانی از گذشتهٔ دور در این سرزمین آغاز شده، و به تدریج تا دوران معاصر رشد نموده، و متوالیاً غنا یافته و در عین حال به سرزمین‌های دیگر نیز گسترش پیدا کرده است. تفکر ایشان نه تنها بر تداوم تاریخی بلکه پراکندگی در گسترهٔ وسیع جغرافیایی ایران بزرگ (ورای مرزهای فعلی جغرافیایی ایران) استوار است.

۲. هدف از ایجاد باغ نزد ایرانیان

منظور و هدف از ایجاد باغ نزد ایرانیان بخش مهمی است که نویسندگان مقاله به صورت مفصل به آن پرداخته‌اند. آنها در ابتدا به اهمیت موضوعات مرتبط با باغ همچون آبگیر میان درختستان، درختان سرو و نخل، آب روان، تخت طاقدیس در میان بیشهٔ انبوه و باغی که صحنهٔ پذیرفته شدهٔ جشن‌ها نزد ایرانیان در دوران پیش از اسلام بوده، اشاره می‌کنند (تصاویر ۸ و ۹). سپس به کاربردی‌تر شدن نقش گیاهان و آب در زندگی ایرانیان و حتی نقش تزیینی که آرایش باغ در هنرهای مختلفی چون فرش و کاشی‌کاری در دوران اسلامی پیدا نموده، می‌پردازند (تصاویر ۱۰ و ۱۱). در این زمینه، در بخش‌های دیگری از مقاله به اضافه نمودن هیجان شکار به باغ‌ها، به‌عنوان ورزشی که از دیرباز ایرانیان لذت بی‌نظیری از آن می‌برده‌اند، اشاره

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

می‌کنند (Christensen, 1909: 14).

در ادامه نویسندگان باغ را باور کانونی فلسفهٔ زندگی ایرانی‌ها می‌دانند و توضیحات خود را بدین شرح ارائه می‌کنند: «با توجه به اهمیتی که باغ در زندگی ایرانی داشت، لذا به صورت طرح و نقشی دلخواه با تشبیه‌ها و استعاره‌های همگان پسند درمی‌آمد. به عنوان مثال تعطیلات برای ایرانی‌ها استراحت در باغ و جشن‌ها یعنی دوستان، خوراک و موسیقی در سایهٔ آرام درختان است. باغ مکانی برای تفکر و گفت‌وگو است. در باغِ مدرسه‌ها، دانشجویان و استاد به مطالعه و مباحثه می‌پردازند. ممکن است قراردادها در زیر درختان بسته شوند و اغلب وزرا سیاست‌های خود را در کنار حوض آب تعیین می‌کنند... او [ایرانی] خود را در عطر فراوان گل‌های باغ غرق می‌کند و در پوست نارنجی مایل به قرمز زردآلو، طعم شیرین و تند گوشت آبدار آن را تشخیص می‌دهد. او کیفیت آواز هر پرنده و صدای حرکت برگ‌ها را در آب روان می‌شناسد و آگاهانه خنکای سایه و تازگی آب حوض را احساس می‌کند.... باغ قرن‌ها برای ایرانی‌ها صحنهٔ بزرگ‌ترین شادمانی‌ها و محلی برای گریز از تلاش و پیچیدگی‌های زندگی روزمره، گردوغبار و گرمای کوچه‌ها و گذرها، فراغت از رنج سفر، نور شدید خورشید، هوای خشک و سوزان، و فرسودگی ساعت‌ها کوشش یکنواخت بود».

سپس حضور باغ در اشعار و موسیقی ایرانیان را مورد توجه قرار داده‌اند. نویسندگان که ایرانیان را شاعرپیشه‌ترین مردمان می‌دانند، باغ را به عنوان منظره‌ای همیشگی در اشعار ایشان که به خاطر خودش ستوده می‌شود و صحنهٔ داستان‌های بی‌پایان و منبع تشبیه‌های دوست‌داشتنی و آشنا همچون معشوق، سرو، یاسمن یا گل‌سرخ بوده با دیوان‌هایی به نام‌های مرتبط با باغ همچون «گلستان» و «بوستان» می‌باشد، می‌بینند (Ouseley, 1823: 61؛ فردوسی، ۱۳۷۴: ۸۲۱) و در مورد شاعران نیز این‌گونه تفسیر می‌کنند: «شاعران ایرانی پیوسته آرزوی مزاری در باغ را داشته‌اند. عمر خیام گفته است که گور من در موضعی باشد که هر بهاری باد شمال بر من گل‌افشان می‌کند. نظامی عروضی در بازدید از مزار خیام در نیشابور در پایین دیوار باغی خاک او را یافت که درختان امرود و زردآلو سر از آن باغ بیرون‌کرده و چندان شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود (Nizami Aruzi, 1910: 62,63). همین‌طور سعدی که شرط کرده بود باید در باغی نزدیک شیراز به خاک سپرده شود. آرامگاه حافظ در شیراز نیز در باغی است. فردوسی نیز در باغ خودش در طابران، بزرگ‌ترین قصبهٔ توس به خاک سپرده شده است.» ایشان در ادامه، همچنین به مضمون‌های موسیقی باقیمانده از دوران ساسانی با نام باغ‌های ایرانی همچون «باغ شیرین»، «باغ اردشیر» (Huart, 1913: 561)، «باغ شهریار»، «باغ سیاوشان»، «سروستاه» (یا سروستان) و «راه گل» اشاره می‌کنند[۱۴]. بدین‌ترتیب، نویسندگان باغ را درون‌مایهٔ اصلی بسیاری از هنرهای ایرانی می‌دانند.

نویسندگان اهمیت باغ در تفکر ایرانیان را حتی فراتر از زندگی مادی و در تعبیرات به‌کار رفته در سعادت جاودانی می‌بینند و این‌گونه بیان می‌کنند:

«باغ محلی رؤیایی، ورای جهان بود[۱۵]، ... مثلاً هنگامی که زرتشتی پارسا در می‌گذرد، در پایان شب سوم، خود را در میان گیاهانی می‌بیند که عطرهای خوش از آن استنشاق می‌گردد[۱۶] و یا در دین اسلام که پاداش‌های خاص نیکوکاران در زندگی جاودانی در باغ مقدس بهشت قرار داده شده است» (Sale, 1921:515-288) بدین‌ترتیب، ایشان نیاز به باغ در ایران را ریشه‌دارتر، مشخص‌تر و جهانی‌تر از شیفتگی ژاپنی‌ها به گل‌ها و عشق انگلیسی‌ها به دشت و دمن و روستا معرفی می‌کنند.

هدف ایرانیان از طراحی و ساخت باغ در این سرزمین موضوع ناآشنائی در ادبیات موضوع باغ ایرانی نیست اما کمتر محققینی به صورت اشاره شده راجع به موضوع بحث کرده‌اند. نکتهٔ حائز اهمیت در اینجا تنوع نقطه‌نظرات نویسندگان از توجه به امور کاربردی تا معنایی است، بدین‌شکل که ایشان در ابتدا به نقش کاربردی باغ در برگزاری جشن‌ها و ضیافت‌ها و تزیینات،

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

تولید انواع میوه‌ها و گل‌ها، استراحت پس از تلاش زندگی روزمره و شکار اشاره نموده، سپس به حضور باغ در اشعار، تشبیهات و داستان‌های عامیانه و در انتها به اهمیت و نقش باغ در تفکر غیر مادی (معنایی و ورای این دنیا) نزد ایرانیان اشاره می‌کنند. افزون بر این در این خصوص به برخی نکات ظریف همچون نام مضمون‌های موسیقی ایرانی به نام باغ‌ها و یا علاقه و توجه شاعران معروف ایران به داشتن آرامگاهی در باغ اشاره نموده که شاید کمتر کسی به آن‌ها توجه کرده باشد.

۳. معرفی مصادیق باغ ایرانی

در بخش‌های مختلف مقاله و به منظور توضیح مشخصات مختلف باغ ایرانی به ۲۰ مصداق باغ اشاره گردیده که برخی از آنها به تفصیل شرح گردیده‌اند. پانزده مورد از این باغ‌ها که در محدودهٔ فعلی جغرافیایی ایران قرار دارند، شامل باغ «عمارت خسرو» (Goeje, 1885: 158-9) (تصویر ۱۲) در قصر شیرین، باغ «شاه نعمت‌الله ولی» در ماهان (کرمان)، باغ «اشرف» در بهشهر، باغ‌های «چهلستون»، «هزار جریب»، «فرح‌آباد» و «سعادت‌آباد» در اصفهان، باغ‌های «تخت» کریم‌خان (احتمالاً باغ «زند»)، «جهان‌نما» («وکیل») و «فردوس» در شیراز، باغ فتحعلی شاه (احتمالاً باغ «نگارستان») در تهران، باغ «دلگشا»ی هارون‌الرشید (Lane, 1927: 195-6)، باغ بزرگی در تبریز و باغی در شهر خوی می‌باشند. پنج باغ دیگر شامل باغ «جهان‌آرا» (هرات)، باغ «سامرا» المعتصم، باغ «بابر» (کابل)، باغ «حوش‌کوری»[۱۷] در حوالی قصر شیرین در عراق و مجموعه باغ‌های سارد کورش (ترکیه) نیز در خارج از محدودهٔ فعلی جغرافیایی ایران قرار دارند. نویسندگان توضیحات مختصری راجع به باغ‌های «عمارت خسرو» و «حوش‌کوری» در حوالی قصرشیرین، باغ «اشرف» در بهشهر (Ouseley, 1823: 271-4)، باغ «تخت» (Bradley-Birt, 1909: 139) و باغ کریم‌خان («زند») در شیراز در متن مقاله و نیز باغ‌های «سعادت‌آباد» اصفهان (Ouseley, 1823: 61)، باغ «جهان‌نما» (Morier, 1812: 105-6) و «فردوس» (Langles,1811: 434-35) در شیراز، باغ «بابر» در کابل و باغی در شهر خوی (Morier, 1812: 298-9) در پانوشت‌ها ارائه داده‌اند. اما دو باغ «هزار جریب» و «فرح‌آباد» اصفهان در متن مقاله به تفصیل شرح و توضیح داده شده‌اند. توضیحات نویسندگان از باغ «هزار جریب» براساس سفرنامه‌های «تونات» (Thévenot, 1687: 82-3) و «هربرت» (Herbert, 1677: 165) راجع به وسعت و اندازهٔ باغ، صفه‌های متعدد، خیابان‌ها و معابر عریض و دل‌انگیز، آبراه و چهار باغ میانی، فواره‌های متعدد، حوضچه‌ها و سکوهای متنوع، عمارت‌ها و کوشک‌های بزرگ و کوچک ارائه می‌شود. مطالب ارائه شده در مورد باغ «فرح‌آباد» نیز براساس سفرنامه بودوئن (Beaudouin, 1933: 32-7) درخصوص موقعیت مکانی و حدود زمان ساخت این باغ، طرح و هندسه منظم آن، تنوع استفاده از آب (نهرها و آب‌نماها)، عمارت‌ها، کوشک‌ها و باغچه‌های فراوان آن ارائه گردیده است (تصویر ۱۳).

دیگر باغ‌ها هنگام توضیح عناصر و اجزاء درون آنها مطرح گردیده‌اند، همچون باغ مقبرهٔ «شاه‌نعمت‌الله ولی» در ماهان کرمان که جهت توضیح حوض چلیپاشکل یکی از حیاط‌هایش و یا باغ «چهلستون» اصفهان که هنگام توضیح راجع به مجسمه‌های سنگی دور حوض اصلی‌اش مطرح شده‌اند (تصاویر ۱۴ و ۱۵). غیر از موارد اشاره شده، به نام حدود ۱۴ باغ دیگر تنها در حد عنوان نیز اشاره شده است. این باغ‌ها شامل باغ تیموری (Bronstein, 1937:43) «چنار»، «شمال»، «دلگشا»، «نقش‌جهان» (Strange, 1928: 226-7, 216, 358; Browne, 1906: 97)، «خلوت»، «دودلدای (کامل)»، «بهشت» و باغ «هزار درخت» سلطان محمود و باغ‌های «نوروزی»، «زاغان»، «سفید»، «بنفشه»، «وفا» (Leyden & Erskine, 1921: 227) و «صفا» (Ibid: 274, 289, 227) که بابر بنا کرده بود، می‌باشند.

گرچه مقاله راجع به مصادیق متعددی از باغ‌های ایرانی صحبت نموده و جزییات آنها را ارائه می‌نماید، اما تنها دو مصداق باغ از باغ‌های از میان‌رفته، یعنی تنها

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

باغ‌های «هزارجریب» و «فرح‌آباد» اصفهان به تفصیل مطرح می‌شود که البته مطالب ارائه شده در مورد آنها نیز از میان سفرنامه‌ها استخراج شده است. شاید مهم‌ترین نقدی که بر این مقاله بتوان گرفت عدم طرح و ارائهٔ کامل مصادیق مهم باغ ایرانی از نقاط مختلف ایران است. مصادیقی که حتماً آثاری از آنها در زمان حضور نویسندگان در ایران باقی بوده است، همچون باغ‌های موجود در شهرهای کاشان، اصفهان، شیراز و تهران. با توجه به تحلیل و تفسیر نسبتاً کامل و صحیح نویسندگان از باغ ایرانی و گفت‌وگو راجع به جزئیات برخی باغ‌ها، نگارنده معتقد است که نویسندگان از اکثر این باغ‌ها بازدید نموده و این مقاله را بر مبنای مطالعات و بازدیدهای صورت گرفته نوشته‌اند، لذا احتمالاً نوشته‌ها، عکس‌ها و کروکی‌هایی در این موارد تهیه نموده که هنوز به چاپ نرسیده و یا در دسترس عموم قرار نگرفته است که می‌توان در این مورد بررسی‌های لازم صورت داد.

۴. طرح و سازماندهی باغ ایرانی

در چند بخش از مقاله به طرح و شکل باغ ایرانی پرداخته می‌شود. ابتدا دربارهٔ طرح باغ هخامنشی سخن می‌گوید و آن را باغی خیابان‌بندی و درخت‌کاری شده و راست‌گوشه با گیاهان کاملاً متقارن و انبوهی از شکوفه‌ها که آن را عطرآگین کرده معرفی می‌کند (Hortus, 1900: 277). سپس در اشاره به طرح باغ‌های ساسانی آنها را باغ‌هایی متقارن نسبت به نقشهٔ کف ساختمان باغ مجسم می‌کند. باغ‌هایی که محورهای اصلی آنها براساس شکل چلیپاگونهٔ ساختمان میانی باغ نظم گرفته‌اند (همچون باغ‌های کاخ عمارت خسرو یا حوش‌کوری[۱۸]). بدین‌ترتیب، نقشهٔ یک پردیس ساسانی را چلیپای راست گوشه‌ای با محورهای مشخص که بخش اصلی (کاخ) در محل تقاطع آنها قرار داشته، تصور می‌کند (Leyden & Erskine, 1921: 236; Croix, 1722: 423-4). در ادامه گریزی هر چند مختصر به مفهوم چهارباغ به‌عنوان اندیشه‌ای کیهان‌شناختی و بسیار کهن در آسیا که به ادیان مختلف نیز راه پیدا کرده، و براساس آن جهان معمولاً توسط ۴ رودخانهٔ بزرگ به ۴ قسمت تقسیم شده است می‌نمایند (Stuart & Villiers, 1913: 45-7 Cameron, 1936: 40; Hyde, 1924: 253-72) و نیز به نسخه‌های خطی دربارهٔ کیهان‌شناسی که به توصیف جهانی ۴ قسمتی می‌پردازند، اشاره می‌نمایند: «تپهٔ کوچکی در مرکز کیهان قرار دارد و این نکته در بسیاری از باغ‌های ایرانی و همچنین باغ‌های مغولی برگرفته از هندی‌ها دوباره اجرا شده است (Stuart & Villiers, 1913: 45-8, 55; Komroff, 1926). یک کلاه فرنگی یا کوشک نیز تقریباً به طور تغییرناپذیری بالای این تپه احداث می‌گردید و دید زیبایی بر باغ‌های پایین دست اطراف خود داشت (Morier, 1812: 298-9). گه‌گاه در پایین این تپه و به دور آن خندقی پر از آب نیز کشیده می‌شد (Strange, 1928: 216).»

افزون بر مطالب اشاره‌شده، در مقالهٔ دیگری با عنوان «چادرها و کوشک‌ها» در فصل چهل و سوم همین کتاب، نویسندگان به گونهٔ دیگری از نقشهٔ باغ براساس زمینه‌ای شطرنجی اشاره می‌کنند که در آنها بنایی وجود داشت که متوجه محور اصلی باغ بود. در این باغ‌ها گاه انواع دیگری از بناها نیز به نام عمارت دروازه و عمارت باغ که در میان استخری قرار می‌گرفت، وجود داشت.

در بخش دیگری از مقاله، ضمن اینکه داخل حصار بودن جوهرهٔ اصلی باغ ایرانی معرفی می‌گردد، شکل و نقشهٔ آن نیز که واجد طرحی انتزاعی با هندسهٔ کاملاً دقیق است با هندسهٔ منظم باغ‌های اروپایی مقایسه می‌گردد: «در باغ‌های منظم هندسی اروپایی معماری و همه چیز، حتی طرز کاشتن گیاهان در باغچه و شکل‌دادن درختان تعیین می‌گردد، ولی در باغ ایرانی گرچه واحدها کاملاً هندسی هستند، طبیعت در هر کدام از آنها فضای آزادانه‌تری دارد».

گرچه امروزه بسیاری از محققین باغ ایرانی درصدد طبقه‌بندی و دسته‌بندی انواع طرح‌ها و سازماندهی‌های باغ‌ها هستند[۱۹]؛ اما جالب است که در این مقاله تلاش چندانی بدین‌منظور صورت نمی‌پذیرد. این در حالی است که در فصل چهل و سوم همین کتاب (یعنی

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

فصل مربوط به چادرها و کوشک‌ها)، نویسندگان به وضوح نسبت به طبقه‌بندی انواع کوشک‌ها در باغ‌های ایرانی اقدام نموده‌اند. حال، در صورتی‌که طبقه‌بندی کامل انواع باغ‌های ایرانی را به پای قصور نویسندگان یا عدم اطلاعات کافی ایشان نگذاریم، این وضعیت می‌تواند ناشی از یکی از دو دیدگاه نویسندگان در این خصوص باشد، که یا معتقد به شباهت و یکسانی طرح و سازماندهی باغ‌های ایرانی ـ تنها به الگوهای اشاره شده در متن مقاله ـ هستند (یعنی الگوهای چهاربخشی، چلیپایی یا چهار باغ، یا الگوی شبکهٔ شطرنجی با خیابان اصلی و کوشک در یک طرف آن) و یا ناشی از عدم اعتقاد ایشان به این طبقه‌بندی به واسطهٔ تنوع فراوان و گونه‌گونی‌هایی است که طرح و سازماندهی باغ‌های ایرانی می‌تواند وجود داشته باشد.

۵. عناصر، اجزاء و تزیینات باغ ایرانی

بخش عمده‌ای از مقاله به توضیح راجع به عناصر و اجزاء باغ ایرانی و اهمیت آنها اختصاص پیدا کرده‌است. این عناصر به ترتیب ذکر در متن مقاله شامل؛ درختان و کرت‌ها، خیابان‌ها، خَرَندها[۲۰]، آب و آبراه‌ها و آبگیرها و انواع آب‌نماها، فواره‌ها، پیکره‌ها (Lane, 1927: 918) (تصاویر ۱۴ و ۱۵)، آلاچیق‌ها و کلاه فرنگی‌ها (تصویر ۱۶)، کوشک‌ها (یا ساختمان میانی باغ)[۲۱] (تصاویر ۱۷ و ۱۸)، خیمه‌ها[۲۲] و چادرها (Strange, 1928: 239-40)، گل‌ها، حصار (Kühnel, 1923: Fig. 45) (تصویر ۱۹)، برج‌ها (Strange, 1928: 230) و کبوترخانه‌ها (Gemelli-Careri, 1889: 77)، داربست و چفته (Francklin, 1790: 107)، پرچین‌ها و پشته‌ها (Binyon & Wilkinson & Gray, 1933) (تصاویر ۲۰ و ۲۱)، پرندگان و ماهی‌ها، حیوانات[۲۳]، جانوران تزیینی، گیاهان و درختان تزیینی (Rawlinson, 1867: 170) می‌شوند.

از میان تمام این موضوعات، مقاله به صورت مفصل به موضوع درختان و گیاهان به‌ویژه گل‌ها پرداخته است. شاید بدون اغراق این موضوع بیش‌ترین حجم مطالب کل مقاله را به خود اختصاص داده باشد. نویسندگان راجع به نام انواع گیاهان باغ‌های ایرانی، نوع، نحوه و محل کاشت درختان و گل‌ها، نوع و گونهٔ درختان و گل‌ها (درختان سایه‌دار، میوه‌دار، سوزنی‌برگ و ...)، انواع کارکرد و کاربرد درختان و گل‌ها، گونه‌های خاص گیاهان و محل رشد آنها، اهمیت آیینی گل‌ها و شکوفه‌ها، انواع و خصوصیات عطر گل‌ها به تفصیل صحبت‌نموده و نمونه‌های مربوطه را معرفی کرده‌اند. در این زمینه به کاشت درختان چنار (Croix, 1772: 424-5) و سرو (Fryer, 1627-8: 350) در حاشیهٔ باغ‌ها و درخت صنوبر برای ردیف‌های خارجی (Binyon, 1928: pls. III, V) و یا کاشت یک نوع درخت در هر یک از چهار گوشهٔ باغ‌های سازمان یافته‌تر (Gray, 1892: 457) اشاره نموده‌اند. در بخش عمده‌ای از مقاله نویسندگان به کاشت انواع گل‌ها و اهمیت آنها در باغ ایرانی پرداخته‌اند. به عنوان مثال دربارهٔ کاشت گل‌ها در باغچه‌های باغ (Francklin, 1790: 107) و کنار حوضچه‌ها[۲۴]، در میان چمن پای درختان (Fryer, 1627-8: 212-14)، در طول معبرها (Jaubert, 1821: 233-4) و یا به طرح غیرمعمول باغچه‌های کوچک مملو از زیباترین گل‌ها بر روی دیوارهای دورتادور بسته (Cubero, 1688: 182) و یا در مورد اهمیت گل سرخ به عنوان ملکهٔ گل‌ها نزد ایرانیان سخن می‌گویند (Sykes; 1927: 160 ; Baião, 1923: 18 ; Strange, 1930: 256). نویسندگان در جای دیگری از مقاله نیز به نقش آیینی گل‌ها نزد ایرانیان در دوران هخامنشیان و ساسانیان اشاره نموده‌اند (حافظ ابرو، ۸۲۰ : شماره ۲۷۷۴، برگ ۲۸۳ و ۳۲۶ ؛ تاریخ بیهقی، ۱۳۵۰: ۴۳۵؛ Delaporte, 1920: pl. 52, No. 18).

افزون‌بر درختان و گل‌های طبیعی، مقاله به اهمیت درختان و گل‌های تزئینی و یا استفاده از نقوش آنها نیز پرداخته‌است. در این زمینه به استفاده از گیاهان ووچک مصنوعی در دوران هخامنشیان (Rawlinson, 1867: 170) (که می‌توانسته برای فصل زمستان بی‌سبزه و خشک کاربرد داشته باشد)، درختان مصنوعی و زرین، هنرهای تزیین همچون فرش و «نخل‌بندی» (دهخدا، ۱۳۱۰: ۱۸۲۴-۱۸۲۳ نیز Brun, 1759: 264)

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

اشاره می‌نمایند، که منظور از آخری، ساختن باغ‌های کوچک و رنگارنگ برای تزیین سفرهٔ پذیرایی شاهانه و یا حفظ روح بهاری در طی ماه‌های سرد سال بود. ایشان حتی به شعری از شاهنامهٔ فردوسی به‌عنوان سند موجودیت درختان گوهرنشان اشاره می‌کنند (مول، ۱۳۷۴: ۸۲۱).

غیر از درختان و گل‌ها، در مقاله موضوعات مربوط به آب، آبراه‌ها و آبگیرها خصوصاً انواع آب نماها و ویژگی آنها به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند[۲۵]. به‌عنوان مثال نویسندگان راجع به شکل متداول آبگیرها و آب‌نماها (استخرها و حوض‌ها)، که مستطیل، مربع، هشت‌ضلعی، چلیپایی یا ترکیبی از آنهاست صحبت نموده یا راجع به اهمیت طراز بودن آب تا لبهٔ آب‌نماهای حوض و اهمیت آب ساکن به منظور انعکاس بافت‌های متنوع برگ‌ها و گیاهان به عنوان آیینه‌ای در برابر طبیعت، جهت تبدیل آب به عنصری جدایی‌ناپذیر از محیط باغ بحث و گفت‌وگو می‌کنند.

در متن این مقاله اشارهٔ چندانی به کوشک‌ها و عمارات درونی باغ‌ها نمی‌گردد که علت اصلی آن اختصاص فصل جدایی به این موضوع در کتاب است[۲۶]. در بخش کوشک‌های مقالهٔ «چادرها و کوشک‌ها» در همین کتاب به طور مفصل به انواع کوشک‌ها در باغ‌های ایرانی پرداخته شده است. در این بخش راجع به انواع تخت‌گاه‌ها و کوشک‌های ساده (Martin, 1912: Pl. 136) با اشکال، سازه و جزئیات مختلف (Binyon & others: XCIV; Blochet, 1929; Sakisian: IXXV, fig 142, Kühnel, 1923: 47)، خانه باغ‌ها، کاخ‌های درون باغی بیهقی، ۴۸۸-۴۵۵ هـ‌ق.: ۱۳۵-۱۴۰)، برج‌ها (Gemelli- Careri, 1889: 77; Leyden ; Erskine, 1921: 137, 119) و کوشک‌های ساخته شدهٔ درون استخرها (Bronstein, 1937: 328; Gemelli-Careri, 1889: 126; Fryer, 1912: 350) صحبت شده و مصادیق آنها در باغ‌هایی چون «هشت بهشت» و «فرح‌آباد» اصفهان، «شاهی» قزوین و «هشت‌بهشت» تبریز معرفی شده است.

در بخش دیگری از مقاله به یکی از اجزاء مهم باغ یعنی حصار اشاره شده است. نویسندگان ایجاد گوشهٔ خلوت و محل استراحت و امن را به عنوان جوهرهٔ اصلی باغ ایرانی که بدین‌ترتیب همیشه در داخل حصار قرار داشته‌است، معرفی می‌نمایند (Strange, G. (Trans.); op. cit.;p. 230, p. 239-40. ضمناً به خصوصیات این حصار که از دیوارهایی مرتفع از خشت یا گاه آجر که معمولاً بدون تزیین هستند، اشاره و اضافه می‌کنند که حصار برخی از باغ‌های بزرگ دارای ویژگی‌های برجستهٔ معماری بوده است، همچون برج‌های چهارگوشهٔ باغ‌ها(Gemelli- Careri, G. F.; op. cit.; p. 77). (به‌عنوان مثال کبوترخانه‌های باغ هزارجریب اصفهان)، داربست‌ها و جفته‌های بخش درونی باغ‌ها (مثل باغ کریم‌خان شیراز) (Francklin, W., op. cit.: 107)، یا لبه‌های کنگره‌دار روی دیوارها (Kühnel, E.; op. cit.; Fig. 45) و ازارهٔ کاشی‌کاری شدهٔ آنها (تصویر ۲۱). در ادامه در بخش‌های دیگر مقاله راجع به انواع پرچین‌ها (Binyon, L.- Wilkinson, J. V. S.- Gray, B.; op. cit.; pl. XLI, pl. LV, No. 64, pl. LXXIII, No. 87, pl. LXXXI, No. 110, pl. LXXV, No. 127) و مشخصات آنها و نیز پرده‌ها در باغ‌ها نیز صحبت می‌شود (تصویر ۲۲).

موضوع عناصر و اجزاء در باغ‌های ایرانی به طور مفصل در مقاله مورد دقت و بحث قرار گرفته است. نکتهٔ حائز اهمیّت اولاً اشاره به موضوعات جدید و خاص و ثانیاً استفاده از منابع درجهٔ اول در هر مورد می‌باشد. از جمله موضوعات مهم و جدید طرح شده در مقاله می‌توان به نحوهٔ کاشت درختان و گل‌ها و زیستگاه‌های طبیعی آنها، نام انواع درختان و گل‌های ایرانی و نیز ساخت درختان و گل‌های تزیینی اشاره نمود. این مطلب نشانگر اهمیّتی است که نویسندگان به عناصر و اجزاء باغ ایرانی مؤکداً در جهت نیل به اهداف طراحی و ساخت باغ ایرانی قائل هستند، مطلبی که شاید در تحقیقات اخیر به این دقت مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۶. منابع و مراجع مقاله

مؤلفان در شناخت خود از باغ ایرانی از انواع منابع و مراجع در دسترس بهره جسته‌اند. این منابع شامل:

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

آثار باقی‌ماندهٔ باغ‌ها، آثار و اجزاء باستانی (سفالینه‌ها، مفرغ‌کاری‌ها)، هنرهای دستی (فرش و گلیم، بافته‌های ابریشمی، مینیاتور و نگارگری، کاشی‌کاری، پیکرتراشی و سنگ‌تراشی)، سنگ‌نوشته‌ها و حکاکی‌ها، منابع ادبی و مذهبی (شرح‌حال‌ها، داستان‌ها، خاطرات، سفرنامه‌ها، کتاب‌های تاریخی، کتاب‌های دینی، منابع باستان‌شناسی، منظومه‌ها و استعاره‌های همگانی)، عکس‌ها، تصاویر و نقشه‌ها می‌باشند که سعی گردید در متن پیش‌رو به بیشتر آن‌ها در ارتباط با هر موضوع ارجاع داده شود و تصاویر مربوطه نیز ارائه شود. در متن مقاله به بیش از ۷۰ مورد کتاب، مقاله و مجموعهٔ آثار فارسی و لاتین ارجاع داده شده که مهم‌ترین آنها بر مبنای شمار مراجعات در متن مقاله و اهمیت موضوعات مطرح به ترتیب حروف الفبا در جدول یک ارائه شده‌اند.

عنوان مقالات

۱. تاریخ بیهقی. (۴۵۵-۴۸۸ هـ‌ق.) کلکته، ۱۸۴۸.

۲. حافظ ابرو، زبدةالتواریخ. (تألیف ۸۲۰) موزهٔ بریتانیائی، نسخ خطی شرقی شماره ۲۷۷۴.

۳. شاهنامه. (۱۳۷۴) انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۴. مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶) نزهة القلوب، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، انتشارات طهوری، تهران.

5. Baião, A. (Ed.); Itinerarios da India a Portugal por terra; Coimbra; 1923.

6. Beaudouin, E. E.; Résidences Royales; Urbanisme, III; 1933.

7. Binyon, L.- Wilkinson, J. V. S.- Gray, B.; Persian miniature painting; London; 1933.

8. Bradley- Bert; Through Persia; London; 1909.

9. Bronstein, L.; The institute's Documentary Survey; Bulletin of the American Institure for Iranian Art and Archeology, Pietro Della Valle, Viaggi, Rome, 1658.

10. Browne, E. G.; A History of Persian literature under the Tartar dominion (Ibn-i-Yamin (d. 1367); Cambridge; 1920.

11. Brun, C.; Travels into Muscovy, Persia and divers parts of the East Indies; London; 1759.

12. Cameron, G. G.; History of Early Iran; Chicago; 1936.

13. Christensen, A.; L'Empire des Sassanides, Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskabs Skrifter, Historisk og Filosofisk Afdeling, I; 1909.

14. Coste, P.; Monuments moderns de la Perse; Paris; 1867.

15. Croix, P. (Trans.); Histoire de Timour-Beg; Paris; 1722.

16. Francklin, W.; Observations made on a tour from Bengal to Persia, 1786-7; London; 1790.

17. Fryer, J.; A new account of East India and Persia, being nine years' Travels, 1627-8, II; London; 1912.

18. Gemelli- Careri, G. F.; Giro del mondo, II; 1889.

19. Gray, E. (Trans.); The Travels of Pietro della Valle in India; London; 1892.

20. Herbert, T.; Some years travels into Africa and Asia; London; 1677.

21. Herzfeld, E.; Die vorgeschichtlichen Topfereien von Samarra; Berlin; 1930.

22. Hortus, G. L.; in Daremberg, C. Saglio, E.; Dictionnaire des Antiquites, III, part I; Paris; 1900.

23. Huart, C.; Bagh; Encyclopedia of Islam, I; 1913.

24. Jaubert, P. A.; Voyage en Arménie et

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

en Perse fait dans les années 1805-6; Paris; 1821.
25. Komroff, M. (Ed.); Marco Polo; New York; 1926.
26. Kühnel, E.; Miniaturmalerei im islamischen Orient; Berlin; 1923.
27. Lane, E. W. (Trans.); The Arabian Nights' Entertainment; New York; 1927.
28. Langles, L. (Ed.); Chardin Voyages, VIII; Paris; 1811.
29. Levy, R.; A Baghdad chronicle; Cambridge; 1929.
30. Leyden, J.- Erskine, W. (Trans.); Memoirs of Zehired-din Muhammed Babur; London; 1921.
31. Markham, Sir C. (Trans.); Narrative of the embassy of Ruy Gunzalez de Clavijo to the Court of Timour at Samarcand, A. D. 1403-6; London; 1859.
32. Martin, M. R.; Miniature painting and painters of Persian; India and Turkey; London; 1912.
33. Morier, J.; A Journey through Persia, Armenia and Asia Minor; London; 1812.
34. Nachricht von einer Reise in Persien im Jahre 1787 von Herrn Beauchamp, Minerva, III; 1792.
35. Ouseley, W.; Travels in Various Countries of the East, III; London; 1823.
36. Sakisian, A. B.; La miniature persane du XII au XVIII siècle; Paris; 1929.
37. Strange, G. (Trans.); Clavijo, Embassy to Tamerlane; London; 1928.
38. Stuart, C. Villiers, M..; Gardens of Great Mughals; London; 1913.
39. Sykes, P. (Ed.); Sir John Chardin's travels in Persia; London; 1927.
40. Thévenot, J.; The travels of M. de Thévenot into the Levant; London; 1687.
41. West, E. W. (Trans.); Pahlavi Texts, Part I (Muller, F. M (Ed.), Sacred books of the East, V); Oxford; 1880.

همان‌گونه که قبلاً نیز در بخش‌های مختلف این نوشتار به آن اشاره شد، یکی از ویژگی‌های مهم مقاله استفاده از منابع دست اول مطالعاتی در آن است. نویسندگان با مراجعه به کتاب‌های تاریخی مهم و نیز مجموعه‌های آثار هنری ایران در اقصی‌نقاط جهان بحث‌ها و مطالب ارائه‌شده را مستند نموده‌اند. امروزه به‌رغم دسترسی گسترده به اطلاعات، بسیاری از کتاب‌ها یا مقالات معرفی شده در این مقاله به دلیل ارزش و محدودیت شمار نسخ به راحتی قابل دسترس نمی‌باشند. نگارنده با توجه به اهمیت این موضوع اقدام به معرفی منابع مهم اطلاعاتی مقاله جهت مراجعهٔ محققین موضوع باغ ایرانی نموده است.

تعبیر باغ ایرانی از منظر نویسندگان مقاله

نویسندگان در بخش‌های مختلف مقاله نظر، تعبیر و حس خود راجع به باغ ایرانی را به انحاء گوناگون بیان می‌کنند. در اینجا به‌طور خلاصه به برخی از مهم‌ترین اظهارات ایشان اشاره می‌شود: «... ایرانی روشن‌فکر و پیرو مشرب اپیکور، زیبایی هر شکوفه (Leyden, J.,) (Erskine, W. (Trans.); op. cit., II; p. 140 را می‌بیند و به هر ریزه‌کاری رنگ عشق می‌ورزد، ولی باغ برای او ارزشی فراتر دارد ... باغ جایی است که او [ایرانی] در آن، بهترین ساعت‌هایش را با دوستان و گفت‌وگو با آنها سپری می‌کند، شعر و اندیشه به خلوت او راه می‌یابد و هنگامی که حال و هوای جشن و سرور دارد، باغ تفرجگاه او می‌شود ... بنابراین زیبایی عناصر تشکیل دهندهٔ باغ ایرانی چنین است: طرح و ویژگی‌های درختان و گیاهان، رنگ و طعم میوه‌ها، عطر گل‌ها، نغمهٔ

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

پرندگان، صدای خش خش برگ و آب، خنکای آن، نور و کیفیت گوناگون آن در زوایای مختلف[۲۷]، حس متغیر هوا، ساکن یا در حرکت، درخشش پر پرندگان، و در شکارگاه‌های بزرگ، هیجان داغ تعقیب، لحظهٔ پرهیجان و پیروزمندانهٔ کشتن جانور، و به طور خلاصه هر خشنودی هیجانی که امکان داشته باشد... باغ محلی رؤیایی، ورای جهان است... هم مظهر زندگی پربار و هم شکل‌دهندهٔ ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود ... از آن جایی که خداوند در تمام هستی متجلی می‌شود، پس روح از تمامی درجه‌های وجود گذر می‌کند، می‌داند گیاه بودن یعنی چه. همان‌گونه که حقیقت غایی را می‌توان کاملاً در غوری آرام ولی نافذ در گل‌سرخ درک کرد، وقتی گلی زیبا قلب را از حرکت باز می‌دارد، گویی فرد لحظه‌ای خود را با گل یکی می‌بیند، عارف باغ را خدا و خود را گیاه باغ می‌داند».

در این بخش از نوشتار سعی شد که تعریف، تصور و تعبیر نویسندگان از باغ ایرانی در چند جملهٔ ارائه شده از طرف ایشان بیان شود. نویسندگان در این جملات به تأثیر باغ ایرانی بر ارضاء همهٔ نیازها و وجوه انسانی (به‌ویژه انسان ایرانی) شامل حواس پنج‌گانهٔ بینایی (طرح و نور)، شنوایی (صدای خش‌خش برگ و حرکت آب)، بویایی (عطر گل‌ها)، لامسه (حس متغیر هوا و خنکای آب)، چشایی (طعم میوه‌ها) و دیگر حواس روانی و عرفانی همچون ارتباط با همنوع و روابط اجتماعی (گفت‌وگو با دوستان)، شادمانی (برگزاری جشن و سرور)، خلوت و تفکر و از همه مهم‌تر آنچه که در جملهٔ آخر بیان‌شده یعنی عشق به طبیعت و خداوند اشاره نمایند. با این تعابیر ایشان به نوعی طراحی و ساخت باغ در ایران را به‌عنوان نقطهٔ غایی هنر معماری ایران معرفی می‌کنند.

سخن آخر

در این نوشتار سعی شد تا ضمن دسته‌بندی موضوعات مختلف طرح شده در مقالهٔ «باغ‌ها»ی پروفسور «پوپ» و همسرش «آکرمن» خلاصه‌ای از محتوای مطالب به همراه تصاویر و مراجع معرفی شود و در انتهای هر بخش نیز تحلیلی از مطالب مطرح شده ارائه شود. هدف از نگارش این نوشتار نیز آگاه نمودن علاقمندان به موضوع باغ ایرانی به عنوان مرجعی مهم، معتبر و غنی در این زمینه و جلب‌توجه مجدد به آن، ضمن طرح نقطه‌نظرات و دیدگاه نویسندگان از موضوع بوده است[۲۸]. در انتها خلاصه‌ای از تحلیل‌های صورت‌گرفته در مقاله به همراه پاره‌ای توضیحات اضافی از نگارنده ارائه می‌شود:

۱. شاید مهم‌ترین ویژگی این مقاله اشارهٔ مستقیم آن به موضوع «باغ ایرانی[۲۹]» و خصوصیات آن است. موضوعی که در بسیاری از مراجع مشابه به این وضوح اختصاصی نشده است.

۲. به‌رغم کوتاهی مقاله، مطالب ارائه شده در آن بسیار غنی و پربار است. گرچه مقاله بیش از ۷۰ سال پیش نگارش شده، یعنی زمانی که بسیاری از اطلاعات و شواهد فعلی راجع به معماری ایران وجود نداشته است، اما تفاسیر و تحلیل‌های ارائه شده در آن بسیار کامل، جامع و قانع‌کننده به‌نظر می‌رسد. این به نوعی نشان‌دهندهٔ تجربه و درک عمیق و صحیح نویسندگان از معماری ایرانی است. یکی از ویژگی‌های مهم مقاله، بیان تعریف و فلسفهٔ وجودی «باغ ایرانی» و تحلیل نویسندگان از این موضوع به صورت خلاصه و مفید است، مطلبی که حتی در کتب مفصل نگارش شده در این زمینه قابل‌مشاهده نیست[۳۰].

۳. در روند تاریخی مقاله، به‌نظر می‌رسد که نویسندگان معتقد به پیوستگی تاریخی مفهوم باغ ایرانی از هزاران سال پیش از ظهور اسلام تا زمان نگارش مقاله بوده‌اند. افزون‌بر این به‌نظر می‌رسد که نویسندگان به پیوستگی جغرافیایی این موضوع نیز معتقد بوده چرا که هر جا لازم دیده‌اند به مصادیق باغ‌های ایرانی خارج از حوزهٔ سیاسی فعلی ایران اشاره نموده‌اند.

۴. نویسندگان در تحلیل خود از باغ ایرانی ضمن توجه و نقد معمارانهٔ مصادیق باغ ایرانی به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی ایرانیان نیز توجه نموده و توضیحات خود را با ارائهٔ موضوعات مرتبط به هر زمینه کامل نموده‌اند.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

۵. مقاله واجد نکات ارزندهٔ فراوانی در موضوعات آشنای باغ ایرانی است، اما توجه مقاله به برخی نکات خاص باغ ایرانی که اطلاعات کمتری از آن‌ها در دسترس می‌باشد، همچون اسامی و ویژگی‌های گل‌ها و درختان در باغ‌های ایرانی و حتی برخی نکات بکر و کمتر مطرح شده همچون درختان، گل‌ها و میوه‌های تزیینی و اهمیت نور در باغ ایرانی، مقاله را در نوع خود منحصربه‌فرد نموده است.
۶. نویسندگان به اهمیت مراجع مختلفی چون آثار دستی و هنری، نگارگری‌ها، دیوان اشعار، سفرنامه‌ها، نقل‌قول‌ها و ... واقف بوده و در هر مورد بسته به فراخور موضوع به آن‌ها اشاره نموده‌اند. اهمیت این مراجع به واسطهٔ اصیل و دست اول بودن آنها اعتبار مقاله را افزون‌تر نموده است.
۷. نویسندگان در تعبیر خود از باغ ایرانی، آن را درون‌مایهٔ اصلی و نقطهٔ غائی هنر ایرانی می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها

1. A Survey of Persian Art, from Prehistoric Times to the Present

2. Pope, Arthur Upham

3. Ackerman, Phyllis

۴. عمدهٔ مطالب این قسمت از کتاب «فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق زمین» نوشتهٔ نصرالله نیک‌بین اقتباس گردیده است.

5. Pope A. U. & Ackerman P., 1938-1939, "A Survey of Persian Art, from Prehistoric Times to the Present", London.

۶. از جمله خانم «فیلیس آکرمن» همسر وی که از کارشناسان منسوجات قدیم ایران می‌باشد و در تألیف کتاب مزبور سهم بزرگی داراست.

۷. چاپ دوم در سال ۱۹۶۷ و چاپ سوم در سال ۱۹۷۷ در ۱۶ جلد به طبع رسیده است.

۸. شش جلد آغازین و نیز جلد چهاردهم از این مجموعه شامل متون، مجلدات هفتم الی سیزدهم تصاویر و دو جلد آخر نیز به کتاب‌شناسی و فهرست اعلام و عناوین اختصاص پیدا کرده است.

۹. این مقاله با حدود بیست صفحه متن (که کمتر از ۱٪ از حجم متنی کل کتاب را به خود اختصاص داده است) در فصل ۴۴ (آخرین بخش جلد سوم) از مجموعهٔ اشاره شده قرار گرفته و توسط «پوپ» و «آکرمن» تألیف شده و نیز به همت «نوشین‌دخت نفیسی» ترجمه گردیده است.

10. Herzfeld, 1932, pl: XII, figs: 4, 5, 6

۱۱. نمونه‌های متعددی از این آثار را خانم آکرمن در مقالهٔ دیگر خود ارائه داده است(Ackerman, 1939) .

۱۲. Ouseley, W. 1823 به‌عنوان نمونه، در پانوشت مقاله در توصیف باغ سعادت‌آباد اصفهان، به قصیدهٔ کاملی به نام «گلزار سعادت» متشکل از ۳۵۰ بیت که در آغاز سدهٔ ۱۲ هـ ق. سروده شده اشاره می‌گردد.

۱۳. با توجه به توصیفات ارائه شده، احتمالاً منظور نویسندگان از این باغ، باغ نگارستان (در شمال میدان بهارستان شهر تهران) است.

14. Kazimirski, 1887: No. XVII, I. 5; No. LXVIII, II. 17, 18

15. Massignon, 1921: 149-160 , 151; Nicholoson, 1931: 210-38, 235

16. West, 1880: V, 65-7; XVIII, 99-100; XVII, 2-4

۱۷. «عمارت خسرو» و «حوش کوری» هر دو از کاخ‌های سلطنتی دوران ساسانی در اطراف قصر شیرین بوده‌اند.

18. Herzfeld, 1930: 30, Fig. 51; Herzfeld, 1932: pl. 12, Fig. III

۱۹. این بحث‌ها عمدتاً حول سازماندهی افقی (نقشهٔ پلان) باغ‌ها سیر می‌کند.

۲۰. واژهٔ خرند در فرهنگ فارسی معین این‌گونه تعریف شده است: «ردیفی از آجر که روی زمین، کنار جوی یا باغچه جنب یکدیگر چینند، خشتکاری اطراف باغچه و کنار صفه و ایوان».

۲۱. گرچه در این مقاله راجع به کوشک‌ها و ساختمان‌های میانی باغ صحبت‌هایی شده است، اما در مقالهٔ دیگری از این مجموعه (فصل ۴۳) با عنوان «چادرها و کوشک‌ها» مفصل در این باره بحث شده است.

۲۲. لطفاً جهت توضیحات بیشتر راجع به چادرها و خیمه‌ها به فصل ۳۴ کتاب «سیری در هنر ایران» با همین عنوان مراجعه فرمایید.

۲۳. جهت توضیحات بیشتر در مورد پرندگان و حیوانات در باغ‌ها رجوع کنید به:

Mu'īnaz-Zumjī; Rawzāt al-Jannāt ('The gardens of Eden', actually a history of Heart written in 1493), British Museum MS. Or. 4106, fols. 375-7.

Leyden, J., Erskine, W. (Trans.); op. cit., II; p. 10, pp. 13-14.

Fryer, J.; A new account of East India and Persia, being nine years' Travels, 1627-8, II; London; 1912; p. 349.

Gemelli- Careri, G. F.; op. cit.; p. 77.

Sakisian, A. B.; La miniature persane du XII au XVIII siècle; Paris; 1929; pl. LXXIX; fig. 142, (miniature by Aqa Mirak in a Nizami in the British Museum, 947 H.).

Jaubert, P. A.; op. cit.; pp. 234.

Strange L.; The Lands of the Eastern Caliphate; Cambridge; 1930; p. 216.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

۲۴. برای مثال رجوع کنید به:

Chester Beatty, A.; Miniature Collection; London Exhibition Catalogue No. 541 A, Tuhfat al-Ahrār of 1492 & Bodleian Library; Miniature in a Sadd-i-Iskandar from Herat of 1485; London Exhibition Catalogue No. 542 A.

۲۵. در این مورد در متن مقاله به کتب و مقالات مختلفی ارجاع داده شده که عمدهٔ آن‌ها عبارتند از:

Leyden, J., Erskine, W. (Trans.); op. cit., II; p. 257.

Martin, M. R.; Miniature painting and painters of Persian; India and Turkey; London; 1912; Pl. 98.

Levy, R.; A Baghdad chronicle; Cambridge; 1929; p. 137.

Leyden, J., Erskine, W. (Trans.); op. cit., II; p. 344.

Ouseley, W.; op. cit., Pl.LVII.

Nachricht von einer Reise in Persien im Jahre 1787 von Herrn Beauchamp, Minerva, III; 1792; p. 274.

Jami; Khamsa; Gulistan Palace Library, Tehran; London Exhibition; 1522; Number 544 B.

Strange, G. (Trans.); op. cit.; p. 220.

۲۶. فصل ۴۳ کتاب اختصاص به مقاله‌ای تحت‌عنوان چادرها و کوشک‌ها دارد که بخش کوشک‌های آن (با حدود ۴ صفحه متن) کلاً در خصوص عمارات درون باغ‌ها صحبت می‌نماید.

۲۷. در جای دیگری از مقاله نویسندگان این‌گونه اشاره می‌کنند: «در اسلام زیبایی نور متغیر در باغ به خوبی درک شده بود. مردی از اهالی موصل رنج سفر را پذیرفت تا باغ های قاهره را در هنگام عصر و گسترش سایهٔ مایل بر آن ها نظاره کند.»

Lane, E. W. (Trans.); The Arabian Nights' Entertainment; New York; 1927; p.145.

۲۸. به خوانندگان علاقمند به هر موضوع توصیه می‌گردد، جهت مطالعهٔ کامل مطالب مرتبط با هر مبحث به اصل مقاله مراجعه نمایند.

29. Persian Garden.

۳۰. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان به کتاب *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن* نوشتهٔ دونالد ویلبر اشاره نمود.

منابع

۱. پوپ، آرتر آپم، آکرمن، فیلیس.(۱۳۸۷) *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، جلد سوم: معماری دورهٔ اسلامی، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲. فردوسی، *شاهنامه*، (۱۳۷۴) انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۳. حافظ ابرو، (تألیف ۸۲۰) *زبدة التواریخ*، موزهٔ بریتانیائی، نسخ خطی شرقی شماره ۲۷۷۴.

۴. *تاریخ بیهقی* (۱۳۵۰ هـ.ش.)، تصحیح فیاض

۵. *تاریخ بیهقی* (۴۸۸-۴۵۵ هـ.ق.)، کلکته.

۶. دهخدا، (۱۳۱۰)، *امثال و حکم* (به فارسی)، تهران.

۷. مول، ژ. (۱۳۷۴)، *شاهنامه*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

8. Ackerman, P. (1936); The moon and fertility in Iran; *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archeology*, VI.

9. Baião, A. (Ed.) (1923); *Itinerarios da India a Portugal por terra*; Coimbra.

10. Beaudouin, E. E. (1933); *Résidences Royales*; Urbanisme, III.

11. Binyon, L. (1928); *The poems of Nizami*; London.

Binyon, L.- Wilkinson, J. V. S.- Gray, B. (1933); *Persian miniature painting*; London; 1933; pl. XLI ; pl. LV, No. 64, pl. LXXIII, No. 87, pl. LXXXI, No. 110, pl. LXXV, No. 127.

12. Blochet, E. (1929); *Musulman painting; XIIth-XVIIth century*; London.

13. Bradley- Birt, F. B. (1909); *Through Persia*; London.

Bronstein, L. (1937); *The institute's Documentary Survey; Bulletin of the American Institure for Iranian Art and Archeology*, V; 1937; citing Arabshah, Tamerlane, p. 314.

14. Browne, E. G. (1906); *Literary history of Persia*, II.

Brun, C. (1759); *Travels*; London.

15. Cameron, G. G. (1936); *History of Early Iran*; Chicago.

16. Christensen, A. (1909); L'Empire des Sassanides, Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskabs Skrifter, Historisk og Filosofisk Afdeling, I, Book 1, Chapter 38.

17. Croix, P. (1772); *Histoire de Timour-Bec (Sharaf al-Din Ali Yazdi, Zafarnamah)*, Paris, II.

18. Croix, P. (Trans.) (1722*); Histoire de Timour-Beg*; Paris.

19. Cubero, P. S. (1688); *Peregrinacion que ha hecho de la mayor parte del mundo*; Saragossa.

20. Delaporte, L. (1920); Catalogue des cylinders, cachets et pierres gravees de Catalogue des cylinders, cachets et pierres gravees de style oriental, I; Paris; (Cat.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

No. D. 142).

21. Francklin, W. (1790); *Observations made on a tour from Bengal to Persia*, 1786-7; London.

22. Fryer, J. (1912); *A new account of East India and Persia, being nine years' Travels*, 1627-8, II; London.

23. Gemelli- Careri, G. F. (1889); *Giro del mondo*, II.

Goeje, E. (Ed.) (1885); *Ibn al-faqih; Biblioteca Geographorum Arabicorum*; Leyden.

24. Herbert, T. (1677); *Some years travels into Africa and Asia*; London.

25. Herzfeld, E. (1930); *Die vorgeschichtlichen Topfereien von Samarra*; Berlin.

26. Herzfeld, E. (1932); Steinzeitlicher Hügel bei Persepolis, *Iranische Denkmäler, I.*

27. Hortus, G. L.; in Daremberg, C. Saglio, E. (1900); *Dictionnaire des Antiquites, III*, part I; Paris; citing Arrian, Anabasis, Book VII, Chapter 25; Athenaeus, Book XII, pp. 515 E, 537 D; Diodorus, Book II, Chapter 13, Book XVI, Chapter 41, Book XVII, Chapter 110; Pliny, Historia Naturalis, Book XVI, Chapter 62; Plutarch, Alcibiades, Chapter 24, Artaxerxes, Chapter 25, Demetrius, Chapter 50, Quaestiones conviviales, Book III, Chapter 2, p. 648; Theophrastus, Historia Plantarum, Book IV, ChapterI,§I;Xenophon,Oeconomicus,BookIV,Chapter21.

28. Huart, C. (1913); Bagh; *Encyclopedia of Islam, I.*
Hyde, J. H. (1924); *L'lconographie des quatre parties du monde dans les tapisseries*, Gazette des Beaux-arts 5ème période, X.

29. Jaubert, P. A. (1821); *Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années* 1805-6; Paris.

30. Kazimirski, A. B. (1887); *Divan-i Menoutchehri*, Paris.

31. Kühnel, E. (1923); *Miniaturmalerei im islamischen Orient*; Berlin.

32. Lane, E. W. (Trans.) (1927); *The Arabian Nights' Entertainment*; New York; (Ibraheem and the Lady Jemeeleh).

33. Langles, L. (Ed.) (1811); *Chardin Voyages*, VIII; Paris.

34. Leyden, J., Erskine, W. (Trans.) (1921); *Memoirs of Zehired-din Muhammed Babur* I; London.

35. Massignon, L. (1921); *Les Méthoded de Réalisation des peoples de l'Islam, Syria, II*.

36. Morier, J. (1812); *A Journey through Persia, Armenia and Asia Minor*; London.

37. Nicholoson, R. A. (1931); *Mysticism, in Sir Thomas Arnold-A; Guillaume, A*.; The legacy of Islam; Oxford.

38. Nizami Aruzi; Qazvini, M. M. K. (Ed.) (1910); *Chahar Maqalah (The four discourses)*; London.

39. Ouseley, W. (1823), *Travels in Various Countries of the East, III*; London.

40. Pope A. U. & Ackerman P. (1938-1939), *A Survey of Persian Art, from Prehistoric Times to the Present*, London.

41. Pope A. U. & Ackerman P. (1977), *A Survey of Persian Art, from Prehistoric Times to the Present*, London.

42. Rawlinson, G. (1867); *The five great monarchies of the Ancient Eastern world, IV*; London.

43. Sakisian, A. B. (1929); *La miniature persane du XII au XVIII siècle*; Paris.

44. Sale, G. (Trans.)(1921); *Qoran*; London; Chaps. XVIII and Chap. IV.

45. Strange, G. (Trans.) (1928); *Clavijo, Embassy to Tamerlane*; London.

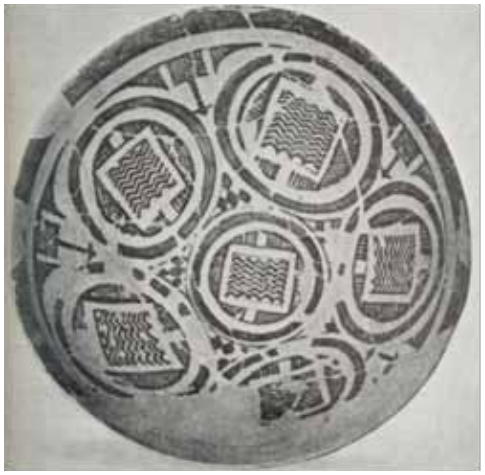
46. Stuart, C. Villiers, M. (1913); *Gardens of Great Mughals*; London.

47. Sykes, P. (Ed.) (1927); *Sir John Chardin's travels in Persia*; London.

48. Thévenot, J. (1687); *The travels of M. de Thévenot into the Levant*; London.

49. West, E. W. (Trans.) (1880); *Pahlavi Texts*, Part I (Muller, F. M (Ed.), Sacred books of the East, V); Oxford; Bundahis XVIII, XVII.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]



۱
حوض آب در میان درختستان نقش‌مایهٔ رایج
سفالینه‌های شوش I



۲
نقش درختان در سفال‌های تخت جمشید



۳
پرسپولیس، سنگ‌تراشی پلکان آپادانا



۴
گلدان برنزی مربوط به سدهٔ نهم
یا دهم قبل از میلاد در لرستان

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]



۵
فرش بافته شده با طرح باغ مربوط به سدهٔ دوازدهم ق (کردستان)



۶
مینیاتور سبک تبریز
مربوط به سدهٔ هشتم ق
با موضوع کاشت درخت فلفل سفید



۷
کاسهٔ منقش لعابدار
مربوط به سدهٔ ششم ق ساوه

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]



۸
ایزد ماه ریش‌دار مرتبط با درخت نخل، پلاک برنزی ریخته‌گری شده
مربوط به سدهٔ دوم هزارهٔ اول قبل از میلاد



۹
نمایش تخت طاقدیس در بیشه‌ای انبوه
در سینی برنزی ساسانی

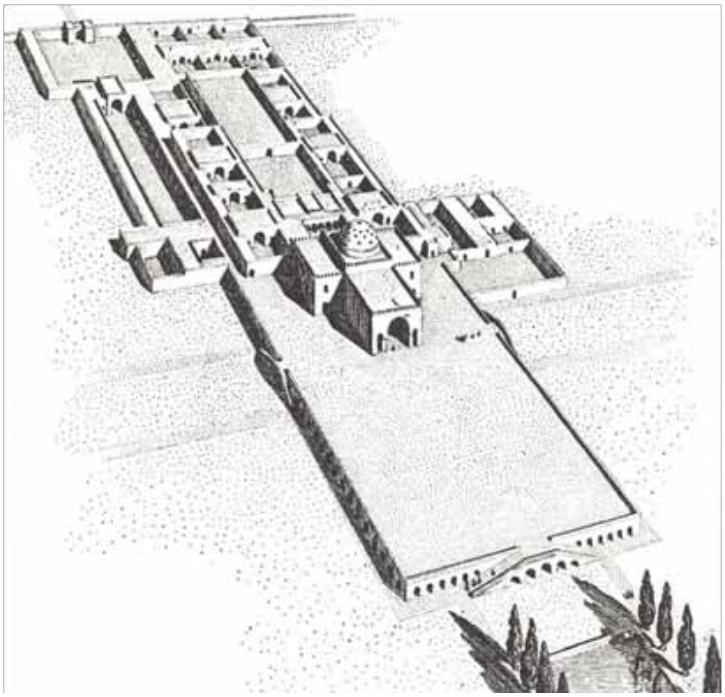
۱۰
فرش بافته شده با طرح باغ مربوط به سدهٔ دوازدهم ق
(شمال غربی ایران، احتمالاً کردستان)



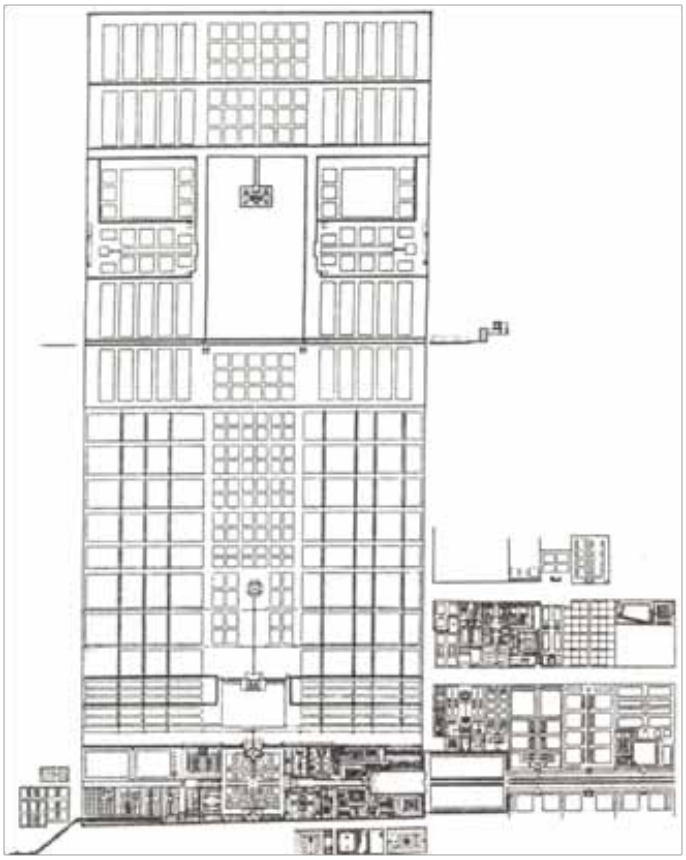
۱۱
کاشی منقوش لعاب دار سدهٔ هفتم ق کاشان



[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

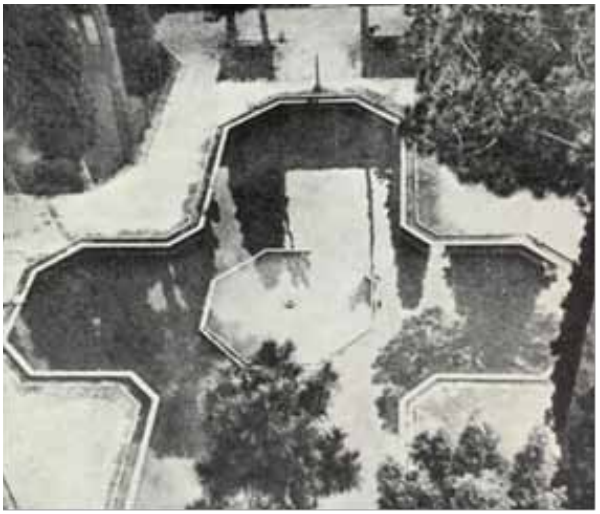


۱۲
بازسازی تصویری محوطهٔ بیرونی عمارت خسرو
در قصر شیرین



۱۳
نقشهٔ باغ فرح‌آباد اصفهان
(اوائل سدهٔ دوازدهم ق) ترسیم از بودوئن

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]

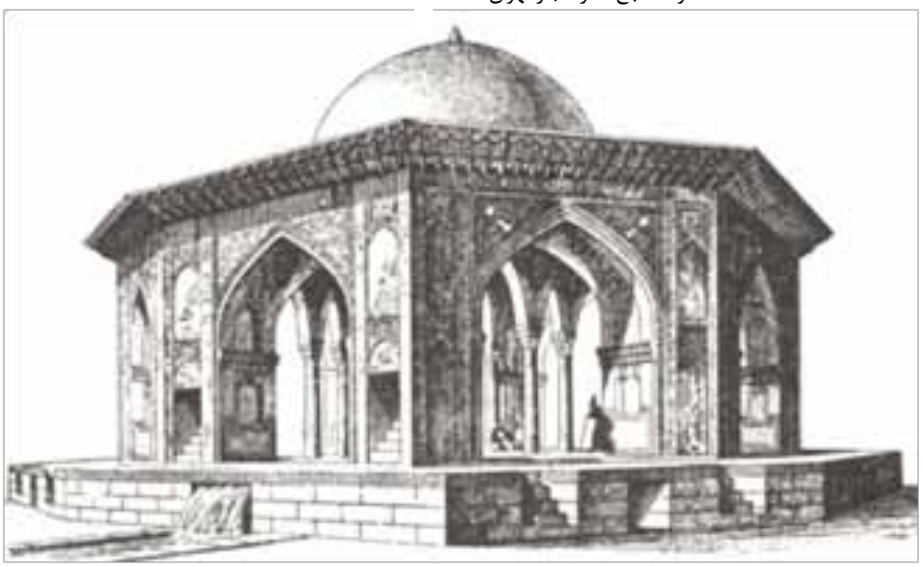


۱۴
حوض باغ مقبرهٔ شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان



۱۵
پیکره‌های سنگی متعلق به عمارت
آیینه‌خانه که هم‌اکنون در گوشه‌های
حوض بزرگ باغ چهلستون قرار گرفته‌اند

۱۶
کوشک باغ قصر قاجار تهران



[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]



۱۷
جلد کتاب از چرم
با نقاشی و پوشش لاکی، سدهٔ دهم ق



۱۸
نگارگری امضا شده توسط عبدالصمد
با موضوع همایون و اکبر در کوشک باغ،
سبک ایرانی در هندوستان، ۹۶۳ ق

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]



۱۹
نگارگری اثر جنید نقاش با موضوع همای و همایون،
دیوان خواجوی کرمانی، سبک بغداد، ۷۹۹ هـ ق



۲۰
نگارگری احتمالاً از بهزاد،
با موضوع خدمتگزاران در حال آماده‌سازی
جشنی در باغ، سبک هرات، ۹۰۶ هـ ق

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]



۲۱
نگارگری احتمالاً از میرزا علی، با موضوع زلیخا و کنیزان مصری،
خمسه جامی، سبک تبریز، ۹۲۸ ق



۲۲
نگارگری احتمالاً از شیخ‌زاده، با موضوع
مجلس بار عام، خمسه نظامی، سبک تبریز، ۱۳۹ ق

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-25]